



امام علی یا امامزاده علی (پژوهشی در مورد مزار معروف در مزار شریف افغانستان)

پدیدآورده (ها) : فاطمی، سید حسن

فقه و اصول :: وقف میراث جاویدان :: زمستان 1384 - شماره 52

از 99 تا 110

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/283013>

دانلود شده توسط : سید حسن

تاریخ دانلود : 06/04/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

امام علی یا امام زاده علی؟

مزاری با بارگاه مجلل و دارای گنبد و کاشی کاری های دیدنی، زینت بخش شهر مزار شریف در افغانستان است. وجود این بارگاه سبب شده این شهر نام «مزار شریف» را به خود گیرد. مردم افغانستان نسبت به شخص مدفون در این مکان عقاید مختلف دارند. اهل سنت بیشتر بر این باورند که این مزار به امام اول شیعیان حضرت علی بن ابی طالب (ع) تعلق دارد و به آن احترام زیاد می گذارند. شیعیان نیز احترام این مکان را دارند اما این احترام به جهت انتساب آن به امام (ع) است و معتقدند مدفن آن حضرت در نجف اشرف است.

نظر به اینکه جای دیگر غیر از نجف به عنوان مزار واقعی امام علی (ع) سراغ نداریم، نگارنده بر آن شد تا تحقیقی در مورد بارگاه معروف در مزار شریف افغانستان انجام دهد تا واقع امر روشن شود.

انتساب قبر به امام (ع) در بارگاه مزار شریف در منابع پیشین در باره انتساب بارگاه واقع در شهر مزار شریف به امام علی (ع) آمده، به ترتیب تاریخ می آوریم:

الف. کهن ترین کتابی که در این زمینه سراغ داریم کتاب الاشارات الی معرفة الزیارات، تألیف ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی (م ۶۱۱ ق) است. در این کتاب می خوانیم:

«بناحیه بلخ قریه یقال لها: الخیر؛ ظهر بها قبر یزعمون انه قبر علی بن ابی طالب ولیس بصحیح»^۱

در ناحیه بلخ روستایی به نام خیر^۲ است که قبری در آن ظاهر شد و به غلط خیال می کنند آن قبر علی بن ابی طالب است.

عبارت «ظهر بها قبر» نشان می دهد که قبلاً این قبر به امام علی (ع) نسبت داده نمی شده و بعد نسبت داده اند.

ب. معین الدین محمد اسفزاری (م ۸۹۹ ق) در کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات آورده است که قبر امام علی (ع) در سال ۸۸۵ ق آشکار شد.^۳ همان مطلب در کتاب تاریخچه مزار شریف نیز آمده که در ادامه، مضمون آن را می آوریم. عبارات این دو کتاب بسیار به هم شبیه اند.

جالب توجه است از میان چهار نسخه ای که در اختیار محقق

**پژوهشی در مورد مزار معروف
در مزار شریف افغانستان**

سید حسن فاطمی

روضات الجنات بوده، این قسمت از کتاب تنها در یکی از آنها وجود داشته است.^۶

ج. غیاث‌الدین محمد حسینی معروف به خواندمیر (م ۹۴۱ یا ۹۴۲ ق) داستان یافت شدن مزار امام علی (ع) را در هر دو کتاب تاریخ حبیب‌السیر و تاریخ روضة الصفا به این صورت آورده است:

«گفتار در طرح بنیاد خاقان منصور قبه فلک ارتفاع ملک بقاع مرقد جنت منزلت اسدالله الغالب را در قریه خواجه خیران. در شهور سنه خمس و ثمانین و ثمان مائه (۸۸۵ ق/ ۱۴۸۰ م) که معین السلطنه و الخلافه میرزا بایقرا در قبه الاسلام بلخ لوای ایالت و رعیت پروری مرتفع گردانیده، از وادی استار غیب صورتی در غایت غرابت نمود.

شرح این حال بر سبیل اجمال آنکه عزیزی شمس‌الدین محمدنام که نسبش به زبده عرفای کرام سلطان بایزید بسطام اتصال می‌یابد در سنه مذکور از طرف کابل و غزنین در قبه الاسلام بلخ شتافت و شرف ملازمت میرزا بایقرا دریافت و تاریخی ظاهر ساخت که آن را در زمان سلطان سنجر [بن] ملک شاه سلجوقی تصنیف کرده بودند. و در آن کتابت مکتوب بود که مرقد شاه اولیا و عمده اصفیا مهبط انوار مواهب اسدالله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه در قریه خواجه خیران در فلان موضع است.

بنابر آن میرزا بایقرا [در سال ۸۸۵] سادات و قضات و اشراف و اعیان بلخ را جمع آورده با ایشان مشورت کرده به قبه مذکوره که از بلخ تا آنجا سه فرسخ مسافت است تشریف فرمود؛ و در آن موضع که در کتاب تعیین یافته بود گنبدی دید که قبر در میان آن موجود بود و فرمود تا آن قبر را حفر نمایند ناگاه لوحی از سنگ سفید پیدا شد که بر آنجا منقوش بود که «هذا قبر اسدالله الغالب اخ رسول الله علی ولی الله» لاجرم فریاد و فغان از میان جان حاضران به ایوان کیوان رسیده، همگنان روی نیاز بر آن خاک پاک سوختند و نذورات به مستحقان رسانیده، ابواب نیاز و اخلاص برگشودند....»

میرزا بایقرا چون حال بر این منوال دید، قاصدی همعنان برق و باد به دار السلطنه هرات فرستاد و صورت حال واقعه را عرضه داشت. ایستادگان پایه سریر اعلی کرد. خاقان منصور بعد از اطلاع بر مضمون آن عریضه، از ظهور آن صورت غریب متعجب گشته احرام طواف آن قبله امانی و آمال بست و با فوجی از امر او خواص بدان جانب نهضت فرموده، پس از وصول، غایت نیاز و اخلاص به جا آورد و قبه‌ای در کمال ارتفاع و وسعت بر سر آن مرقد جنت منزلت نهاده و در اطراف آن ایوان‌ها و بیوتات طرح انداخت و در آن قریه بازاری مشتمل بر دکاکین و گرمابه بنیاد نهاد و یکی از آنها بلخ را که حالا آن نهر به نهر شاهی مشهور است بر آن مزار فیض آثار وقف ساخت و...»^۷

د. بخش عمده کتاب تاریخچه مزار شریف منسوب به عبدالغفور لاری (م ۹۱۲ ق) به معرفی بارگاه امام علی (ع) در مزار شریف اختصاص دارد. خلاصه آن بدین قرار است:

سال ۸۸۵ ق شمس‌الدین محمد به کتاب‌های کتابخانه شیخ رضی‌الدین محمد سلیمان دست یافت که در سال ۵۳۰ ق مزار امام علی (ع) در بلخ کشف شده است. سپس آن را اعلام می‌کند و پس از کندن آن قسمت، به سنگ قبری برخوردند که بر آن حک شده بود: این مزار در سال ۵۳۰ کشف شد.

قضیه کشف آن در سال ۵۳۰ بدین قرار است: در این سال چهارصد تن از علما و سادات و مشایخ در خواب، پیامبر اکرم (ص) را دیدند که به آنها فرمود: قبر پسر عمومیم بن ابی طالب در خیران است. احمد قماچ حاکم بلخ پس از خبر شدن از این خواب‌ها، علما را جهت مشورت جمع کرد. آنان با تمسک به این روایت که هر کس پیامبر (ص) را در خواب ببیند، خود حضرت را دیده، این خواب‌ها را رؤیای صادق دانستند؛ اما شخص فقیهی در آن میان به جهت فاصله هزار فرسنگی میان کوفه و بلخ، سخن علما را نپذیرفت و همگی متفرق شدند.

همان شب فقیه مذکور در عالم خواب، عده‌ای از سادات را دید که او را به طرف قبر حضرت علی (ع) کشاندند و در آنجا چنان او را کتک زدند که از هوش رفت. اما با اشاره حضرت او را رها کردند. سراسیمه از خواب پرید و در همان نیمه‌های شب به خانه احمد قماچ رفت و گریه‌کنان سخن خود را پس گرفت. احمد قماچ نیز دستور حفر آن منطقه را صادر کرد تا اینکه سنگ قبر امام (ع) پدیدار شد. روی سنگ چنین نوشته بود: «هذا ولی الله، علی اسدالله، اخ رسول الله».

چون خبر به سلطان سنجر (م ۵۵۲ق) رسید، سنگ را خواست. آنچه بر آن لوح نوشته بود، بر سنگ دیگر حک کرد و تاریخ پیدا شدن قبر را نیز بر آن نوشت. سپس بنایی برای آن ساخت. سنگ دوم در سال ۸۸۵ یافت شد.^۱

شایعه مدفون بودن

از کتاب الاشارات الی معرفة الزیارات بر می‌آید شایعه مدفون بودن امام علی (ع) در مزار شریف تداوم داشته است. اما در سال ۸۸۵ قوت می‌گیرد و با حمایت حاکمان وقت، بارگاه مجللی برای آن می‌سازند. از این به بعد اعتقاد مردم به این انتساب بیشتر می‌شود؛ زیرا تجربه نشان داده هر بارگاهی که مجلل تر باشد اعتقاد مردم به آن بیشتر می‌شود.

شاید کتابی که می‌گویند در سال ۸۸۵ یافت شد که در آن قبر امام (ع) در خواجه خیران درج بوده همان الاشارات الی معرفة الزیارات بوده که عبارت آن گذشت؛ اما به آن شاخ و برگ داده‌اند و جزئیات دیگر را به آن افزوده‌اند؛ مانند خواب دیدن چهارصد تن از علما و سادات و مشایخ و نیز یافت شدن سنگی که بر آن عبارت «هذا ولی الله، علی اسدالله، اخ رسول الله» حک شده است؛ زیرا اگر چهارصد تن از اشخاص برجسته آن رؤیا را دیده بودند و چنین سنگی پیدا شده بود، این قضیه مورد حمایت آنان قرار می‌گرفت و در کتاب‌های فراوان نوشته می‌شد و تا سال ۸۸۵ همراه با تردید مطرح نبود. داستان سراسری در برخی نقل‌ها به روشنی مشهود است. اساساً بارگاه‌های یافت شده که منشأ آنها رؤیا و کرامت است، قابل اعتماد نیستند.

پس از آن گویا عده‌ای به فکر مستند کردن این قضیه افتادند و لذا در کتاب روضات الجنات فی او صاف مدینه هرات دست بردند و در نسخه‌ای از آن، قضیه یافت شدن مرقد امام علی (ع) را افزودند و نیز کتاب تاریخچه مزار شریف را نوشتند و به عبدالغفور لاری نسبت دادند؛ چنان که در نسخه خطی و چاپی آن آمده که این کتاب منسوب به عبدالغفور لاری است.

توجه به این نکته مناسب است که همواره بارگاه امام زادگان، منبع درآمد مهمی برای عده‌ای، مخصوصاً متولیان و خدمتکاران آنها بوده است و هر چه شخص مدفون در نظر مردم، مهم تر جلوه کند و تعداد زائران بیشتر شود، درآمد آنها بیشتر می‌شود. چه بسا بسیاری از شایعه‌های نادرست در مورد امام زاده‌ها زیر سر همین افرادی باشد که بهره‌های مالی می‌برند. لذا بعید نیست متولیان این بارگاه، شایعه مدفون بودن امام علی (ع) را ساخته یا تقویت و ترویج کرده‌اند.

یکی از شواهد کذب بودن داستان سراسری‌ها عبارت سنگ قبر در اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم است. بر سنگ قبر، نام علی بن ابی طالب با سلسله نسب او نوشته بوده است. این امر با شایع بودن تعلق قبر به امام علی (ع) تنافی ندارد؛ زیرا سنگ زیر صندوقی مخفی بوده که همگان آن را مشاهده نمی‌کرده‌اند. توضیح در مورد عبارت سنگ قبر ذیل عنوان بعد می‌آید.

بررسی منابع مختلف نشان می‌دهد که پس از درگذشت امام زاده علی برای او گنبد و بارگاه کوچکی ساختند. بعد از چند دهه که از شهرت او کاسته شد، مزار را به امام علی (ع) نسبت دادند.

شواهد کذب بودن

شیخ آقابرگ تهرانی هنگام معرفی کتاب انساب آل ابی طالب می‌نویسد:

«انساب آل ابی طالب، علی نهج عمدة الطالب الا أنه فارسی وهو أيضا لمؤلف عمدة الطالب السيد جمال الدين أحمد بن علی ... يظهر من الكتاب أنه ألفه بعد عمدة الطالب وكأنه ترجمة له الى الفارسية بتغيير قليل. قال سيدنا العلامة الحسن صدرالدين: انى رأيت النسخة فى مكتبة شيخنا العلامة النورى ولا أدرى الى من صارت بعده وقال سيدنا المذكور وما ذكره فى هذا الكتاب أنه دخل المزار المعروف ببلخ وقرأ المکتوب على الصخرة فى تحت الصندوق وفيه: هذا قبر أمير المؤمنين أبى الحسن على بن أبى طالب بن عبيدالله بن على بن الحسن بن الحسين بن جعفر بن عبيدالله بن الحسين الاصغر بن على بن الحسين السبط عليه السلام. فعلم أنه من بنى الحسين الذين ملكوا تلك البقاع والاشترک فى اللقب والاسم والكنية واسم الاب اوجب اشتباه عوام الناس فى نسبتهم له الى أمير المؤمنين عليه السلام».

نگارش انسب آل ابی طالب مانند عمدة الطالب است و تفاوت در فارسی بودن آن است. نویسنده آن همان نویسنده عمدة الطالب یعنی سيد جمال الدين احمد بن علی است. از کتاب استفاده می شود که آن رابعداز عمدة الطالب نگاشته و گویا با اندک تغییر، ترجمه آن است. علامه سيد حسن صدر می گوید: آن نسخه را در کتابخانه علامه نوری دیدم. از جمله مطالبش آن بود که نویسنده آن وارد مزار معروف در بلخ شده و عبارت سنگ زیر صندوق را دیده که چنین بوده است: هذا قبر أمير المؤمنين ابى الحسن على بن ابى طالب بن عبيدالله بن على بن الحسن بن الحسين بن جعفر بن عبيدالله بن الحسين الاصغر بن على بن الحسين السبط عليه السلام. از اینجا دانسته می شود که او از بنی حسین بوده و اشتراک در لقب و اسم و کنیه و نام پدر سبب اشتباه عوام شده و آن مزار را به أمير المؤمنين (ع) نسبت داده اند.

این مطلب در اعیان الشیعه نیز از قول ابن عنبه نقل شده است.^{۱۱} این نقل صراحت دارد که این مزار در واقع به یکی از نواده های امام علی (ع) اختصاص دارد و عده ای عمداً یا سهواً آن را به خود امام (ع) نسبت داده اند.

در ابتدا نسب امام زاده را از زبان خود علی بن ابی طالب می آوریم و سپس آن را از کتاب های انسب پی می گیریم:

فرزند او ابو محمد حسن چهل حدیث کوتاه را از زبان پدر و اجدادش تا پیامبر اکرم (ص) نقل می کند. در واقع سند این روایت نسب نامه امام زاده علی بن ابی طالب از زبان خود او است. در سند چهل حدیث می خوانیم:

«اخبرنا السيد الامام الاظهر شرف الدين بقية السادة ببلخ ابو محمد الحسن بن على بن ابى طالب الحسينى، قراهه علينا من لفظه غير مرة فى سنة سبع وعشرين وخمسمائة.

قال: حدثنى سيدى ووالدى أبو الحسن على بن ابى طالب فى سنة ست وستين وأربعمائة.

قال: حدثنى سيدى ووالدى أبو طالب الحسن بن عبيدالله الحسينى فى سنة أربع وخمسين وأربعمائة.

قال: حدثنى سيدى ووالدى أبو على عبيدالله بن محمد.

قال: حدثنى سيدى ووالدى محمد.

قال: حدثنى سيدى ووالدى عبيدالله.

قال: حدثنى سيدى ووالدى على.

قال: حدثنى سيدى ووالدى الحسن الامير اول من دخل بلخ من هذه الطائفة».

قال: حدثني سیدی ووالدی الحسین بن جعفر.

قال: حدثني سیدی ووالدی جعفر الملقب بالحجة.

قال: حدثني سیدی ووالدی عبیدالله الزاهد.

قال: حدثني سیدی ووالدی الحسین الأصغر.

قال: حدثني سیدی ووالدی علی بن الحسین زین العابدین.

قال: حدثني سیدی ووالدی الحسین المظلوم الشهيد سبط النبی (ص).

قال: حدثني سیدی ووالدی امیر المؤمنین ویعسوب الدین علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین.

قال: قال رسول الله (ص): ليس الخیر كالمعاینة»^۳.

به ما خبر داد شرف الدین ابو محمد حسن در سال ۵۲۷ از پدرش ابو الحسن علی در سال ۴۶۶ از پدرش ابو طالب حسن در سال ۴۵۴ از پدرش ابو علی عبیدالله از پدرش محمد از پدرش عبیدالله از پدرش علی از پدرش حسن امیر اولین کس از این طایفه که وارد بلخ شد از پدرش حسین از پدرش جعفر ملقب به حجت از پدرش عبیدالله زاهد از پدرش حسین اصغر از پدرش علی زین العابدین (ع) از پدرش حسین شهید مظلوم (ع) از پدر امیر المؤمنین علی (ع) از رسول خدا (ص) چنین روایت کرده اند: شنیدن مانند دیدن نیست. بنابراین نسب نامه به دست آمده از سند این روایت چنین است:

ابو الحسن علی بن ابی طالب حسن بن ابو علی عبیدالله بن محمد بن عبیدالله بن علی بن حسن امیر بن حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله بن حسین اصغر بن امام سجاد (ع).

«نقیب کوره بلخ مقدم السادات بلخ و سید العتره السید الاجل شرف السادة ابو الحسن محمد بن عبیدالله بن ابی الحسن محمد بن السید الزاهد عبیدالله بن علی بن الحسین بن جعفر الحجّة ابن عبیدالله الاعرج بن الحسین بن [علی بن الحسین بن] علی بن ابی طالب علیهم السلام...»

و ابن اخیه السید ابو الحسن علی بن ابی طالب هو والد السید الاجل شرف الدین من اغصان تلك الدرجة العلیا ومن ازهار تلك الروضة الغناء. قال الشيخ ابو عامر الجرجانی: رأیته یروی بین یدی عمه. شعره:

واساریر وجهه یترق
ولسانه بالحمد والشکر ینطق

وشعره مذکور فی کتاب قلادة الشرف

ومن هذا البطن ... السید الاجل تاج الدین الحسین بن علی بن ابی طالب و السید الاجل شرف الدین ابو محمد الحسن بن علی بن ابی طالب و عنده شعرة رسول الله (ص) و نعله و قصعه و عصاه»^۳.

نقیب ناحیه بلخ مقدم سادات در بلخ ابو الحسن محمد بن عبیدالله بن ابی الحسن محمد بن سید زاهد عبیدالله بن علی بن حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج بن حسین بن [علی بن حسین بن] علی بن ابی طالب (ع) است.

پسر برادر او سید ابو الحسن علی بن ابی طالب است. او پدر سید اجل شرف الدین [حسن] است. ابو عامر جرجانی گوید: علی بن ابی طالب را دیدم که در برابر عمویش این شعر را می خواند:

واساریر وجهه یترق
ولسانه بالحمد والشکر ینطق

از این خاندان سید اجل تاج‌الدین حسین بن علی بن ابی‌طالب و سید اجل شرف‌الدین ابو محمد حسن بن علی بن ابی‌طالب است. نزد حسن مو و کفش و کاسه و عصای پیامبر (ص) بود.

۲۰ سخن رانوی (ص ۶۰۳ فر)

«اما ابو عبدالله الحسین الاصغر بن زین العابدین (ع) وانما لقب هذا بالاصغر لانه كان لزين العابدین ولد آخر اكبر من محمد الباقر (ع) وكان اسمه الحسین الاكبر فلهذا السبب لقب هذا بالحسین الاصغر.

وعقبه من خمسة بنين: عبيدالله الاعرج و عبدالله العقیقی وسليمان و علی و حسن....
و اما عبيدالله اعرج فعقبه من اربعة من البنين: جعفر الحجة. كان اماماً من ائمة آل محمد يسمونه بالحجة - و محمد الاكبر المعروف بالجواني - و الجوانية قرية بالمدينة - و حمزة - بالكوفة و يجيء له عقب قليل و كان من اهل الفضل و الدين و علی ابو الحسن الاكبر العابد.

اما جعفر الحجة بن عبيدالله الاعرج فعقبه من رجلين: الحسن ابو محمد بالمدينة و الحسين ابو عبدالله بسمرقند....
اما الحسين بن جعفر الحجة فعقبه الصحيح من رجل واحد و هو الحسن ابو محمد ببلخ، امه زبيرية. وللحسن هذا ابن واحد جميع عقبه منه اسمه علی ابو القاسم يعرف بالجلاباذی و هو محلة ببلخ.

و لعلی الجلاباذی هذا من المعقبين اربعة: عبيدالله ابو علی و عبدالله ابو احمد و قيل اسمه محمد و محمد ابو العباس و الحسن ابو احمد و لم يثبت له الا ابو اسماعيل الطباطبائي.

اما عبيدالله بن علی الجلاباذی فعقبه من رجل واحد و هو محمد ابو الحسن الزاهد ببلخ بسكة المفتی.
و لمحمد هذا ابنان معقبان: علی ابو القاسم السيد الاجل النقيب ببلخ يعرف بنودولت و عبيدالله ابو علی السيد الاجل النقيب الرئيس ببلخ يعرف بيارخدای و هو جد نقيب بلخ....

اما عبيدالله يارخدای فله من الذكور ستة: نعمة ابو ابراهيم اسمه الحسين و الحسن ابو طالب و علی ابو طاهر الرئيس النقيب بغزنة يلقب تاج الشرف و محمد العالم الشاعر و ابراهيم ابو محمد و الحسين ابو عبدالله....

اما الحسن بن يارخدای فعقبه رجلا ن: علی ابو الحسن الفقيه و جعفر ابو القاسم السيد الاجل.
اما علی الفقيه هذا فله ابنان: الحسن ابو محمد يلقب شرف الدين و الحسين تاج الدين.

اما الحسين تاج الدين فله ابن واحد اسمه علی النقيب بطخارستان^{۱۵}.
اما ابو عبدالله الحسین اصغر بن زین العابدین (ع) ملقب به اصغر شده و آن به این علت است که زین العابدین (ع) فرزند دیگری

بزرگتر از محمد باقر (ع) به نام حسین اکبر داشت.
نسل او از پنج پسر بود که یکی از آنها عبيدالله اعرج است.

نسل عبيدالله اعرج از چهار پسر است که یکی از آنها جعفر حجت است. او از پیشوایان آل محمد بود که او را حجت نامیده‌اند.
نسل جعفر حجت از دو مرد به نام‌های حسن ابو محمد در مدینه و حسین ابو عبدالله در سمرقند است. نسل صحیح حسین بن

جعفر حجت از یک مرد به نام حسن ابو محمد در بلخ است و مادرش زبیری بود. تمام نسل این حسن از یک فرزند به نام علی ابو القاسم معروف به جلابادی^{۱۶} - محله‌ای در بلخ - است.

نسل علی جلابادی از چهار پسر که یکی از آنها عبيدالله ابو علی است.

نسل عبیدالله از یک نفر به نام محمد ابوالحسن زاهد در بلخ است. نسل محمد از دو پسر است: علی و عبیدالله ابوعلی سید اجل نقیب و رئیس در بلخ معروف به یار خدا که جد نقیبان بلخ است.

عبیدالله یار خداشش پسر داشت که یکی از آنها حسن ابوطالب است و نسل حسن از دو پسر است: علی ابوالحسن فقیه و سید اجل جعفر ابوالقاسم.

علی فقیه دو پسر به نام‌های حسن ابو محمد ملقب به شرف‌الدین و حسین تاج‌الدین داشت. حسین تاج‌الدین هم یک پسر به نام علی داشت که نقیب در طخارستان بود.

از کتاب الشجرة المبارکة این نسب‌نامه امام زاده علی بن ابی طالب به دست می‌آید:

ابوالحسن علی بن ابی طالب حسن بن ابوعلی عبیدالله یار خدا بن ابوالحسن محمد بن ابوعلی عبیدالله بن ابوالقاسم علی بن ابومحمد حسن بن ابوعبدالله حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج بن ابوعبدالله حسین اصغر بن امام سجاد (ع).

۹ سند مستند شجره‌نامه‌ای در حدیث آمده است.

«اما الحسین الاصغر بن علی زین العابدین فله خمسة معقبون: عبیدالله الاعرج و عبدالله العقیقی و الحسن الدکة و علی الاصغر و سلیمان ...»

و اما عبیدالله الاعرج ف عقبه من اربعة رجال: جعفر الحجة و كان زاهدا ما كان يفطر الايام العيد و محمد الاکبر الجوانی و حمزة بالكوفة و علی الثانی ابوالحسن الاکبر العابد بالعراق.

و عقب جعفر الحجة: الحسن ابومحمد بالمدينة و الحسين ابوعبدالله بسمرقند...

و اما الحسین بن جعفر الحجة فانتهی عقبه الصحیح الی عبیدالله ابی علی و محمد ابی العباس و عبدالله ابی احمد و الحسن بنی ابی القاسم علی ببلخ ابن الحسن انتقل من سمرقند الی بلخ ابن الحسین بن جعفر الحجة.

و اکثرهم عقبا عبیدالله و له محمد ابوالحسن الزاهد ببلخ ب«سکه المفتی» و حده و له ابنان معقبان: ابوالقاسم علی نودولت نقیب ببلخ و ابوعلی عبیدالله رئیس نقیب ببلخ يعرف ب«یار خدای» و لكل منهما عدد و عقب فیهم النقابة و الرئاسة و التقدم و العلم و الحشمة و الجاه و المال ...»

و اما عبیدالله الملقب ب«یار خدای» فله ستة بنین: ابوالحسن محمد... و الحسن ابوطالب له ابنان: علی ابوالحسن الفقیه الفاضل و جعفر ابوالقاسم له ولد.

و لعلی بن ابی طالب یار خدای: الحسن ابومحمد العالم المحدث و الحسین ابوعبدالله امهما فاطمة بنت السید محمد بن عبدالله و ابنه علی بن الحسین نقیب طخارستان»^۹.

حسین اصغر بن علی زین العابدین (ع) پنج پسر نسل دار از جمله عبیدالله اعرج داشت. نسل عبیدالله از چهار مرد بود که یکی از آنها جعفر حجت بود. وی شخصی زاهد بود که تنها در ایام عید افطار می‌کرد.

نسل جعفر حجت در حسن ابومحمد - ساکن مدینه - و حسین ابوعبدالله - ساکن سمرقند - است.

نسل صحیح حسین بن جعفر حجت به این چهار نفر باز می‌گردد: ابوعلی عبیدالله و ابوالعباس محمد و ابواحمد عبدالله و حسن فرزندان ابوالقاسم علی - در بلخ - بن حسن - از سمرقند به بلخ رفت - بن حسین بن جعفر حجت.

از میان اینان بیشترین نسل برای عبیدالله است. فرزند او تنها ابوالحسن محمد زاهد در بلخ محله سکه المفتی است. او دو پسر

نسل دار داشت: ابوالقاسم علی نودولت نقیب در بلخ و ابوعلی عبیدالله رئیس و نقیب در بلخ معروف به یارخدای بود. در نسل این دو نقابت و ریاست و پیشوایی و دانش و حشمت و جاه و مال بود.

اما عبیدالله یارخدای شش پسر از جمله ابوطالب حسن داشت و او هم دو پسر به نام‌های علی ابوالحسن فقیه فاضل و ابوالقاسم جعفر داشت.

پسران علی بن ابی طالب عبارت بودند از: ابو محمد حسن عالم و محدث و ابو عبدالله حسین. مادر این دو فاطمه دختر سید محمد بن عبدالله بود.

علی بن حسین نقیب طخارستان بود.

از کتاب الفخری این نسب‌نامه به دست می‌آید:

ابوالحسن علی بن ابوطالب حسن بن ابوعلی عبیدالله یارخدای ابوالحسن محمد بن ابوعلی عبیدالله بن ابوالقاسم علی بن حسن بن ابو عبدالله حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام سجاد (ع).

«اما عبیدالله الاعرج بن الحسین الاصغر بن علی زین العابدین (ع) و یکنی ابا علی و أمه ام خالد. و قال أبو نصر البخاری: خالدة بنت حمزة بن مصعب بن الزبیر بن العوام، و كان فی احدی رجليه نقص فلذا سمي الاعرج فأعقب من أربعة رجال: جعفر الحجة و علی الصالح و محمد الجوانی و حمزة و أما جعفر الحجة بن عبیدالله الاعرج، و فی ولده الامرة بالمدينة، و منهم ملوک بلخ و نقباؤها. و جعفر بن عبیدالله من أئمة الزیدية، و كان له شیعة یسمونه الحجة، و كان القاسم الرسی بن ابراهیم طباطبا یقول: جعفر بن عبیدالله من أئمة آل محمد. و كان فصیحاً و كان أبوالبختری و هب بن وهب قد حبسه بالمدينة ثمانية عشر شهراً فما افطر الا فی العیدین. فأعقب جعفر من رجلین: الحسن و الحسین.

اما الحسین بن جعفر الحجة فدخل بلخ و اعقب بها و هم ملوک و سادة و نقباء. منهم: السید الفاضل أبو الحسن البلخی و هو علی بن ابی طالب الحسن النقیب ببلخ بن ابی علی عبیدالله بن ابی الحسن محمد الزاهد بن عبیدالله ابی علی النقیب بهراة بن علی ابی القاسم النقیب ببلخ بن الحسن ابی محمد قبره ببلخ بن الحسین المذكور»^۸.

کنیه عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن علی زین العابدین (ع)، ابوعلی است و مادرش ام خالد بود؛ اما ابو نصر بخاری مادر او را خالدة دختر حمزة بن مصعب بن زبیر بن عوام معرفی کرده است. به دلیل نقص در یکی از پاهای عبیدالله، ملقب به اعرج شد.

نسل او از چهار مرد است: جعفر حجة و علی صالح و محمد جوانی و حمزه.

حکومت مدینه در میان نواده‌های جعفر حجة بن عبیدالله اعرج بود و شاهان بلخ و نقیبان آن نواده او بودند. خود جعفر از پیشوایان زیدی بود و پیروانی داشت که به او حجت می‌گفتند. قاسم رسی بن ابراهیم طباطبا می‌گفت: جعفر بن عبدالله از پیشوایان آل محمد بود. او شخصی فصیح بود و ابوالبختری و هب بن وهب او را به مدت هیجده ماه زندانی کرد و فقط در عیدین افطار کرد.

نسل جعفر از دو نفر است: حسن و حسین.

اما حسین بن جعفر حجت وارد بلخ شد و نسل او در آنجا است و آنان شاهان و بزرگان و نقیب هستند. از جمله آنها سید فاضل ابوالحسن بلخی بود که نام نسب او چنین است: علی بن ابی طالب حسن - نقیب در بلخ - ابی علی عبیدالله بن ابی الحسن محمد

زاهدین عبیدالله ابی علی - نقیب در هرات - بن علی ابوالقاسم - نقیب در بلخ - بن حسن ابی محمد - قبر او در بلخ است - بن حسین مذکور (حسین بن جعفر حجت).

۶ ابن عنیه

«نسل الحسین الاصفغری بن زین العابدین، و نسل او بسیار است و در حجاز و عراق و شام و مغرب و بلاد العجم می باشند و ایشان از پنج پسرند: عبیدالله الاعرج و عبدالله و علی و ابی محمد الحسن و سلیمان ...»
و نسل عبیدالله الاعرج بن الحسین الاصفغری بسیارند و از چهار پسرند: جعفر الحجة و علی الصالح و محمد الجوانی و حمزة مختلس الوصیة ...»

و نسل جعفر الحجة بن عبیدالله الاعرج (وامرای مدینه رسول الله ص) و ملوک بلخ و نقبای آنجا از نسل اویند) از دو پسر: الحسن و الحسین.

این حسین به بلخ رسید و در آنجا مقیم شد و نسل او در آنجاست و در ترمذ نیز، از ایشان: السید الفاضل ابوالحسن البلخی او اوست [علی بن ابی طالب الحسن النقیب بلخ ابن ابی علی عبیدالله بن ابی الحسن محمد الزاهدین ابی علی عبیدالله بهرات ابن ابوالقاسم علی بن الحسن ابی محمد بن الحسین] مذکور^۹.

۷ ابن عنیه

«از ایشان (از نسل حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج) السید الفاضل ابوالحسن البلخی علی بن ابی طالب الحسن النقیب به بلخ بن ابی علی عبیدالله بن ابی الحسن محمد الزاهدین عبیدالله بن علی به هرات بن علی ابی القاسم به بلخ بن الحسن ابی محمد بن الحسین مذکور (حسین بن جعفر حجت)»^{۱۰}.

علی بن ابی طالب از زیان معاصر او

امام زاده علی علاوه بر برخورداری از دانش فقه، شعر نیز می سرود. ابوالحسن باخرزی (م ۴۶۷) در کتاب دمیة القصر شاعران زیادی را معرفی کرده است. او تحت عنوان «السید الاجل ابوالحسن علی بن ابی طالب البلخی» ضمن بیان ویژگی های شخصیتی و علمی امام زاده علی، اوج اشتیاق خویش جهت ملاقات با او را بیان داشته و سپس نمونه ای از شعر او را ذکر کرده است:
«شرف السادة عمه، وله اخص الفضل و اعمه، وهو من اغصان تلك الدوحة العلیاء، و من ازهار تلك الروضة الغناء.
ورأيت الشيخ اباعامر یروی بین یدی عمه شعره:

واساریر و وجهه من السرور یترق
ولسانه بالحمد و الشکر ینطق

هزة لما یرشح به اناؤه من فضل مختزن فی اهابه و نجابة سار ذکره بها و شرف قدرها به.

و لم یتفق التقائی به علی شغفی بأدبه و مکانتی من البیت الذی بنی علیه رواقه و ظلل بسمکه المشرئب الی السماک اعناقه و لا ادری متى ادا الی الفراق بالتلاق؟ و انما الدولة حسن الاتفاق فانفض بحضرتہ عیاب الاشواق و ادرع طیب العیش بحواشیه الرقاق و اسمع شعره من لسانه و اقطف ورده من اغصانه و رأیت فی کتاب فلائذ الشرف من تألیف ابی عامر الجرجانی قافیة منسوبة الیه فلم أتمالک أن قلت: عین الله علیه و حوالیه و تعجلت بها حظ السعادة الی أن تتدرج الی الزیادة و هی:

رقت و حجری بالمداغ یشرق
و قلبی الی شرقی رامة شیق

يكر عليها للصبا فيلق
وان لم يعاودنى الصبا المتأنق
وهل انا من داء التفرق مفرق
يغازلي والعيش صاف مورك
يضى ويوم بالمشرق مشرق
واطيب انس المرء ما يتسرق
وقلب الدجى من صولة الصبح يخفق
وما خلته يحنو على ويشفق
بخدمة مولانا الوزير تعلق
ومن رأيه للحصن سور وخذق
اريج كريح المسك بل هو اعبق
مساع الى نيل المحامد سبق
كما السهم من جسم الرمية يمرق
لعاد و حد السيف خزيان مطرق
لظلت بانوار الربيع تفتق^١

ومازلت أحمى بالتصبر مهجة
خليلي هل لى بالعذبية رجعه
وهل لى باطراف الوصال تماسك
بحيث الصبا فينان أخضر مورك
وكم قدمضى ليل على ابرق الحمى
تسرفت فيه اللهو املس ناعما
وياحسن طيف قد تعرض موهنا
تنسمت رياه قبيل وروده
وقد نال اعناق النباهة من له
وزير غدا للملك حصنا ممنعا
يفوح الينا من نسيم خصاله
اغرله فى كل حلبة سوؤد
وينفذ من سر الغيوب ذكاؤه
فلو فاخر السيف المصمم رأيه
ولو حل فى الارض الجدبية يمنه

تفسیر

شخص مدفون در مزار شریف افغانستان امام زاده‌ای فقیه و شاعر است که در قرن پنجم می‌زیسته و اشتراکاتی با امام علی (ع) داشته است. این اشتراکات سبب شده که با آن حضرت اشتباه شود یا اینکه عمداً عده‌ای مردم را به اشتباه انداخته‌اند. اشتراکات عبارتند از:

نام: علی

کنیه: ابوالحسن

لقب: امیر المؤمنین

کنیه پدر: ابوطالب

نام همسر: فاطمه

نام پدر همسر: محمد بن عبدالله

نام فرزندان: حسن، حسین

کنیه حسن: ابومحمد

کنیه حسین: ابو عبدالله

نام فرزند حسین: علی

در خور ذکر است کسی که نام خود و کنیه پدر و نام همسرش با امام علی (ع) یکی است، تا حد امکان نام و کنیه فرزندانش و

حتی نوه‌هایش را همانند او انتخاب می‌کند.

برخی اختلاف‌ها در نسب‌نامه این امام‌زاده دیده می‌شود. بهترین نسب‌نامه‌ای که از مجموع آنها به دست می‌آید بدین قرار است:

ابوالحسن علی بن ابی طالب حسن بن ابی علی عبیدالله یار خدابن ابی الحسن محمد بن ابی علی عبیدالله بن ابی القاسم علی بن ابی محمد حسن بن ابی عبدالله حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج بن ابی عبدالله حسین اصغر بن امام سجاد (ع).

مشهور است که در آن بارگاه حاجات زیادی برآورده می‌شود. در خور ذکر است که مردم در آن مکان در واقع به امام علی (ع) توسل می‌جویند و هر کس در هر جا به آن امام همام توسل جوید ممکن است حاجتش برآورده شود. از سوی دیگر ممکن است امام‌زاده مدفون در آن مکان شخصی جلیل‌القدر و صاحب کرامت باشد. اگر ظهور کرامت نشانه صحت انتساب باشد، در بارگاه ملکوتی امام علی (ع) در نجف اشرف کرامت‌هایی بیشتر و قابل اعتمادتر تحقق می‌یابد.

نوشته را با حاشیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بر کتاب الفخری به پایان می‌بریم:

«علی بن ابی طالب قبره مزار قریباً من بلخ، يعرف بالمزار الشریف والعامه تزوره بعنوان قبر امیر المؤمنین (ع) لغفلة نشأت من الاشتراك فی الاسم وکنیة الوالد»^{۳۲}.

قبر علی بن ابی طالب در نزدیک شهر بلخ زیارتگاه و معروف به مزار شریف است. عامه او را به عنوان قبر امیر المؤمنین (ع) زیارت می‌کنند و منشأ این اشتباه، اشتراک در اسم او و کنیة پدرش است.

منابع

- الاشارات الی معرفة الزیارات، ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی (م ۶۱۱ ق)، تحقیق جانین سوردیل، طومین، دمشق، ۱۹۵۳ م.
- ایقان الشیعه، سید محسن امین (م ۱۳۷۱ ق)، تحقیق سید حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
- تاریخ حبیب السیر، غیث‌الدین محمد بن همام‌الدین حسینی معروف به خواندمیر (م ۹۴۱ یا ۹۴۲ ق)، تهران، انتشارات خیام، چاپ دوم، ۱۳۵۳ ش.
- تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفاء، غیث‌الدین محمد بن همام‌الدین حسینی معروف به خواندمیر (م ۹۴۱ یا ۹۴۲ ق)، تحقیق جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- تاریخچه مزار شریفه منسوب به عبدالغفور لاری (م ۹۱۲ ق)، به کوشش نجیب مایل هروی، افغانستان، انجمن تاریخ و ادب، ۱۳۴۹ ش.
- التحفة الجلالیة، ابن عنیه (م ۸۲۸ ق)، به کوشش سید محمود مرعشی، چاپ شده در میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، دفتر هشتم.
- الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، سید علی خان مدنی (م ۱۱۲۰)، قم، بصیرتی، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ق.
- دمیة القصر و عصرة اهل العصر، ابوالحسن باخرزی (م ۴۶۷ ق)، تحقیق سامی مکی عانی، کویت، دارالعروبة، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق)، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات، معین‌الدین محمد اسفزاری (م ۸۹۹ ق)، تحقیق سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
- سلسله‌الابریز بالسند العزیز، ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب بلخی (م ۵۳۲ ق)، تحقیق محمد جواد جلالی، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- الشجرة المبارکة فی انساب الطالیبة، فخر رازی (م ۶۰۶ ق)، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنیه (م ۸۲۸ ق)، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- الفخری فی انساب الطالیبین، سید اسماعیل مروزی (م بعد ۶۱۴ ق)، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

الفصول الفخریة، ابن عنبه (م ۸۲۸ق)، به کوشش سید جلال الدین محدث ارموی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
 لباب الانساب، ابن فندق (م ۵۶۵ق)، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

پی نوشتها

۱. سید بن طاووس (م ۶۹۳ق) در کتاب فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی (ع) با دلایل محکم نشان داده است که مزار امام علی (ع) در نجف اشرف است.
۲. ترجمه کامل عبارات عربی ممکن است خواننده را از اصل مطلب باز دارد و لذا ترجمه ها همراه با تلخیص است.
۳. الاشارات الی معرفة الزیارات، ص ۷۷.
۴. در گذشته به شهر مزار شریف «خیر» و «خیران» و «خواجه خیران» می گفتند.
۵. روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات، ج ۱، ص ۱۵۶، ۱۶۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۱۵۶، پاورقی.
۷. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۱۷۲، ۱۷۱؛ تاریخ روضة الصفاد، ج ۱۱، ص ۵۷۴۶-۵۷۴۷ و در چاپ قبل تاریخ روضة الصفاد، ج ۷، صفحه ۹۲ به بعد آمده است.
۸. تاریخچه مزار شریف، ص ۲۴-۲۹.
۹. در اینجا ذکر خاطره ای مناسب است. در صحن امام زادگان هادی و مهدی واقع در روستای جمکران قم درخت کاج بلند و کهن سالی است. اینجانب در تاریخ ۱۳۸۰/۵ به آنجا رفتم و درخت را از نزدیک دیدم و هیچ تسبیحی به آن آویزان نبود. اما حدود اوایل سال ۱۳۸۴ وقتی دوباره به آنجا رفتم، مشاهده کردم تسبیح های فراوان به طرف آن پرتاب کرده اند و در لابه لای شاخه ها گیر کرده بود. تعداد آنها به صدها تسبیح می رسید. متوجه شدم دو فروشگاه در صحن امام زاده باز شده که قبلاً نبودند و تسبیح می فروختند. احتمال دادم صاحبان فروشگاه ها اعتقاد به آویزان کردن تسبیح به درخت کاج را درست کرده اند یا آن را ترویج کرده اند.
۱۰. الذریعة، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۱۱. ر.ک: اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۴۰. در اعیان الشیعة در عبارات های «الحسین السبط» و «بنی الحسین» به جای «حسین» کلمه «حسن» نوشته شده که مسلماً اشتباه است.
۱۲. این سند در الدرجات الرقیعة، صفحه ۴۹۱ آمده اما اولین مهاجر به بلخ، حسین بن جعفر حجت، معرفی شده است.
۱۳. السلسلة الامریز بالسند الغریز، ص ۵۶-۵۷.
۱۴. لباب الانساب، ج ۲، ص ۵۶۸-۵۷۲.
۱۵. الشجرة المباركة، ص ۱۶۱-۱۶۷.
۱۶. ظاهرأ مراد از جلاباد، گلاباد است. (ر.ک: لغتنامه دهخدا)
۱۷. الفخری فی انساب الطالبین، ص ۵۷-۶۴.
۱۸. عمدة الطالب، ص ۳۸۶-۴۰۳.
۱۹. الفصول الفخریة، ص ۱۶۹-۱۸۱.
۲۰. التحفة الجلالیة، ص ۱۰۱.
۲۱. دمیة القصر و عصرة اهل العصر، ج ۲، ص ۱۴۷-۱۴۹. چند بیت از این شعر در لباب الانساب، ج ۲، ص ۵۷۱ از قول علی بن ابی طالب آمده است.
۲۲. الفخری فی انساب الطالبین، ص ۶۴، پانویس.